



مصونیت پارلمانی از نگاه فقه

پدیدآورنده (ها) : ابراهیمی، قاسم

فقه و اصول :: نشریه فقه اهل بیت :: تابستان ۱۳۸۱ - شماره ۳۰ (ISC)

صفحات : از ۱۰۸ تا ۱۴۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/310391>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۲/۰۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- مصونیت پارلمانی نمایندگان در حقوق تطبیقی
- تحلیل مصادیق قانونی معاونت در جرم و امکان تحقق آن ها از طریق ترک فعل
- تحول مفهوم مصونیت دیپلماتیک: ملاحظات امنیتی و حقوق بشری
- مبانی فقهی مصلحت و جایگاه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- مصلحت و نقش آن در استنباط احکام شرعی و حکومتی
- مسئله یابی جایگاه دین در روابط بین الملل
- شاخص های تقدیم اهم بر مهم در تراحم های اخلاقی
- عملکرد طالبان: نقض فاحش و همه جانبه حقوق بشر
- روش شناسی فقه سیاسی شیعه
- اخلاق و سیاست بین الملل
- موجبات و آثار ابطال گواهینامه حق اختراع
- لزوم انجام تعهد

عناوین مشابه

- جبران کاهش ارزش پول از نگاه فقه
- حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان
- درخواست اجرت بر حضانت از نگاه فقه اسلامی
- مطالعه تطبیقی مصونیت پارلمانی در حقوق اساسی ایران و برخی از کشورهای جهان
- تعریف بانک داری اسلامی و مؤلفه های آن از نگاه فقه حکومتی
- دستکاری قیمت در بازار کالا از طریق گران فروشی از نگاه فقه و حقوق کیفری
- وضو از نگاه فقه القرآن شیعه
- واژه شناسی فقه در لغت، قرآن و حدیث از نگاه فریقین
- انفال از نگاه فقه شیعی و سنی
- بررسی و تطبیق احوالات شخصیه (ازدواج و طلاق) از نگاه فقه امامیه و دین زرتشت

مصونیت پارلمانی

از نگاه فقه

قاسم ابراهیمی



۱۰۸

مقدمه

قرآنیات

ساله ۸ / شماره ۳۰

مدتی پیش دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند که با اعتراضات شدیدی از جانب برخی نمایندگان مجلس و شخصیت‌ها روبه‌رو شد. این استدلال که این اقدام، مخالف اصل مصونیت پارلمانی است که مجلس و نمایندگان از آن برخوردارند. از سوی دیگر مسؤولان قوه قضائیه و برخی شخصیت‌های دیگر ثبوت چنین حقی را برای نمایندگان، انکار کردند. این امر موجب شد مشاجرات حادی میان موافقان این اقدام و مخالفان آن جریان یابد و به همین جهت نشست‌های متعددی به منظور بحث و گفتگو منعقد شود.

نظر به اهمیت و حساسیت موضوع به تحقیقی در این زمینه دست زدیم تا روشن شود که معنای مصونیت، اقسام، حدود و شرایط آن چیست و مستندات قانونی و فقهی آن کدام است. باشد که این مقاله تصویری روشن در این زمینه برای خواننده ایجاد کرده او را بر ابعاد آن آگاه سازد و در عین حال خدمتی علمی برای متخصصان باشد.

تعریف مصونیت: Immunity

«مصونیت» در لغت به معنای مصون ماندن و محفوظ بودن است.^۱ اما در اصطلاح علم حقوق عبارت است از: معاف بودن از برخی التزامات و واجبات که بازگشت آن به مصونیتی حقوقی در برابر برخی قوانین است که موجب عدم اجرای آن قوانین می شود.

انواع مصونیت^۲

مصونیت انواع متعددی دارد که در زیر مهم ترین آنها را نام می بریم:

۱. مصونیت برون مرزی: **Exterritoy immunity**: مصونیت برون مرزی عبارت است از: تدبیری قانونی که بر اساس آن مأموران دیپلماتیک یک کشور نزد کشوری بیگانه مورد اعتماد قرار می گیرند، به گونه ای که گویی اساساً در سرزمین خودشان به سر می برند و به همین دلیل مشمول قوانین اداری و قضایی و مدنی کشور بیگانه قرار نمی گیرند.

به همین جهت سفارتخانه ها، بخشی از سرزمین کشور صاحب سفارتخانه به شمار می آیند و در نتیجه از قوانین کشوری که در آن هستند، پیروی نمی کنند.

مصونیت برون مرزی در گذشته وجود داشته و به عنوان مبنای حقوق و مصونیت های دیپلماتیک مورد استفاده قرار می گرفته است؛ ولی امروزه عملاً مهجور مانده است.

۱. فرهنگ معین.

۲. ر.ک: ابوهیف، صادق، القانون الدولي العام، ص ۴۹۵، شماره ۲۷۳؛ فان نملان، گرهارد، القانون بین الامم، ترجمه وفیق زهدی، ج ۲، ص ۱۴۲ به بعد؛ جواد صدر، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، ص ۸۶؛ ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی؛ کورنو، گرار، معجم المصطلحات القانونیه، ترجمه منصور قاضی، ج ۱، ص ۶۸۴؛ عبدالواحد کرم، معجم المصطلحات القانونیه، ص ۱۸۶؛ کیالی، الموسوعة السیاسیه، ج ۲، ص ۵۴۸-۵۴۹؛ گورگیس، معجم المصطلحات الفقهیه و القانونیه، ص ۱۳۹؛ و غیر اینها.

۲. مصونیت دفاع: **Immunity of defence**: مصونیتی است که دو طرف متخاصم و مستشاران و شهود آنها در دعاوی قضایی از آن استفاده می کنند و بر اساس این حق می توانند سخنانی را به طور علنی ابراز کرده مدارك مکتوبی را به دادگاه ارائه دهند. به استثنای حقی که قاضی مبنی بر حذف برخی قسمت ها و صدور برخی اوامر به وکلا دارد. حقوق کسی که مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته نیز از موارد استثنا است.

۳. مصونیت خانوادگی: **Family immunity**: مصونیت خانوادگی، مصونیتی حقوقی است که اعضای یک خانواده از آن برخوردارند و به موجب آن، اعضای یک خانواده می توانند در مورد سرقتی که یکی از آنها در قبال دیگری انجام داده از این حق استفاده کرده از شکایت به مقامات قضایی امتناع ورزد. همچنین با استفاده از این حق می توانند تخلفی را که یکی از اعضای خانواده نسبت به غیر، مرتکب شده به مقامات ذی ربط گزارش نکنند و او را برای فرار از چنگال عدالت مساعدت نمایند.

۴. مصونیت دیپلماتیک: **Diplomatic immunity**: مصونیت دیپلماتیک مصونیتی است که سیاستمداران مورد اعتماد یک کشور برای نمایندگی در کشور دیگری که روابط سیاسی با آن دارد، استفاده می کنند. سطح مصونیت دیپلماتیک به لحاظ گستردگی، به توافقات دوجانبه میان دو کشور، بستگی دارد: گاه مصونیت دیپلماتیک در حد مصونیت نماینده سیاسی یک کشور در قبال تعرض به آزادی و حقوق مشروع او شامل مسکن و محل کارش (سفارتخانه) است. مطابق این حق ورود به سفارتخانه و منزل او بدون اجازه ممنوع است و اسناد، مدارك، اوراق، نامه نگاری، گفتگوهای تلفنی، خانواده و همکارانش مورد احترام هستند و در صورتی که تخلفی مرتکب شود، اقامه دعوا علیه او، بازداشت، بازجویی، احضار به دادگاه و محاکمه اش جایز نیست.

گاه این نوع مصونیت به قدری گسترده است که شامل مصونیت نماینده سیاسی یک

کشور در قبال اقدامات اداری و مدنی و اجبار او بر ادای شهادت و حتی پرداخت مالیات و غیر اینها نیز می شود.

۵. مصونیت کشورهای مستقل: **Immunity of state**: کشورهای مستقل دارای امتیازاتی هستند که به مقتضای آن، کشور بیگانه نمی تواند در پیشگاه دادرسی آن کشورها و بدون رضایت آنها، مدعی دعوایی باشد و مجاز نیست به منظور اجرای سیاستی، متعرض اموال آن کشورها شود.

۶. مصونیت پارلمانی (نماینده‌گی): **Parliamentary immunity**: هدف بحث ما در این مقاله، همین مصونیت است. مصونیت پارلمانی عبارت است از: مصونیت محدود قضایی که به موجب آن نمایندگان در اعمالی که به وظایف نمایندگی شان مربوط می شود از پیگرد قضایی مصون بوده، از حرمت شخصی و حقوق مشروعی برخوردارند.

۱۱۱

فقه اهل بیت

مصونیت پارلمانی از نگاه فقه

تاریخچه مصونیت پارلمانی از تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

از نظر تاریخی روشن نیست که آغاز اعطای مصونیت پارلمانی به اعضای پارلمان ها چه زمانی بوده است؛ زیرا این قبیل مصونیت ها تدریجی و در طی توافق های ضمنی بین حکومت ها و مجلس های ملی آنها حاصل می شود، به دست می آیند و به همین جهت این توافق ها، داخلی هستند و تدوین و پذیرش آنها تنها در چارچوب قانون های اساسی جریان می یابد. از آن جا که اقدام برای تدوین قانون اساسی در قرون اخیر شکل گرفته و طبق نظر برخی از پژوهشگران تاریخ آن به ثلث اخیر قرن هجدهم میلادی یعنی زمانی که قانون اساسی فلادلفیا در سال ۱۷۷۶^۳ آماده شد، برمی گردد بنابراین سند خاصی که متضمن اعتراف به وجود حق مصونیت پارلمانی قبل از این تاریخ باشد، وجود ندارد.

اما از آن جا که این نوع از مصونیت نمایندگی به خصصت نظام پارلمانی که دارای

۳. ر. ک: اسماعیل غزال، الدساتیر و المؤسسات السياسية، ص ۳۱.

ریشه های تاریخی قدیمی است و به عصر سلطنتی دوران امپراطوری روم که در این دوران دو مجلس سنا و ملی در امر قانون گذاری ایفای نقش می کردند، برمی گردد^۴، بنابراین به احتمال زیاد توافقیهای ضمنی ای مبنی بر اعطای مصونیت پارلمانی به اعضای دو مجلس قانون گذاری فوق الذکر در قرون طولانی قبل از زمان تدوین قانون اساسی، وجود داشته است خصوصاً که این مجالس برای مدتی طولانی با نظام سلطنتی و صلاحیت مطلق آن در وضع قوانین، درگیری داشته اند و لذا اگر اعضای چنین مجالسی از مصونیت پارلمانی برخوردار نبودند، بسیاری اوقات به اتهام مبارزه با تخت و تاج پادشاهی در معرض پیگردهای قضایی قرار می گرفتند. دکتر کیالی در دایرة المعارف می گوید:

این نوع مصونیت با توجه به ریشه های تاریخی اش به سرشت نظام پارلمانی وابسته است. نظام پارلمانی ای که از ابتدای پیدایشش گرایش به این داشته که به صورت یک قدرت مستقل و نماینده ملت که از طریق انتخابات موجودیت می یابد و در نتیجه به عنوان شالوده ای عالی و اساسی، که مجموعه حکومت اعم از حاکمان و رعایا در مقابل آن سر فرود می آورند، صلاحیت قانون گذاری دارد، شکل گیرد.^۵

مصونیت پارلمانی در قوانین کشورهای مختلف جهان

امروزه مصونیت پارلمانی شالوده اساسی و امر جدانشدنی مجالس نمایندگی و پدیده ای از پدیده های قوانین اساسی مدنی به شمار می رود حتی در قوانین اساسی کشورهای مارکسیستی که از آزادی های سیاسی خبری نیست و یا آزادی های سیاسی در آنها رو به ضعف نهاده، مسأله مصونیت پارلمانی رعایت شده است. مانند قانون اساسی اتحاد جماهیر سوسیالیستی و قانون اساسی جمهوری خلق چین. نمونه هایی از قوانین برخی کشورهای جهان در این زمینه بدین قرار است:

۴. علی محمد جعفر، تاریخ القوانين، ص ۶۴.

۵. الموسوعة السياسية، ج ۲، ص ۵۴۸.

در ماده ۲۶ قانون فرانسه درباره مصونیت پارلمانی می خوانیم:

پیگرد، تفتیش، بازداشت، حبس یا محاکمه اعضای پارلمان به جهت ابراز عقاید و نظریاتشان در مقام ایفای وظایف نمایندگی، جایز نیست؛ چنان که دستگیری هیچ یک از اعضای پارلمان در طی تصدی پست نمایندگی برای ارتکاب جنایت یا هر گونه اقدام سلب کننده یا محدود کننده آزادی آنها جایز نیست؛ مگر پس از کسب اجازه از دفتر مجلسی که او یکی از اعضای آن است. البته در مواردی که خود نماینده، مرتکب جنایتی مشهود یا تخلفی آشکار یا محکومیتی قطعی شود، این مجوز لازم نیست و در صورتی که مجلسی که نماینده مورد نظر، عضو آن است، بخواهد، می تواند حبس یا هر اقدامی که مانع آزادی او است یا آزادی او را محدود می کند و همچنین پیگرد قانونی او را، تا پایان دوره نمایندگی اش به تعویق اندازد...

در ماده پنجاه قانون اساسی ژاپن آمده است:

بازداشت اعضای دو مجلس (شورای ملی و سنا) در طی انعقاد دوره این دو مجلس، جایز نیست و در صورتی که قبل از افتتاح دوره مجلس قانون گذاری، حکم بازداشت نماینده ای صادر شده باشد، بایستی پس از درخواست مجلس، آن فرد نماینده در طول زمان نمایندگی اش از آزادی برخوردار باشد.

در ماده پنجاه و یکم قانون اساسی آمده است:

نمایندگان، در قبال سخنرانی ها، بحث ها و آرای که داخل مجلس شورای ملی و مجلس سنا اظهار می کنند، مسؤول نیستند.

در ماده شصت و هشتم قانون اساسی ایتالیا می خوانیم:

هیچ عضوی از اعضای مجالس قانون گذاری را به سبب ابراز آرا و عقاید در زمان ایفای نقش نمایندگی، نمی توان مورد پیگرد قرار داد و

پیگرد [قضایی] هیچ یک از اعضای مجلسین بدون کسب اجازه از مجلسی که نماینده مورد نظر عضو آن است، جایز نیست. سلب آزادی های فردی و بازجویی، تفتیش بدن یا منزل یا بازداشت آنها ممنوع است مگر در صورت وقوع تخلف و پس از صدور حکم دستگیری یا بازداشت.

[بدیهی است که] کسب اجازه فوق الذکر از مجلس ویژه حتی در موارد بازداشت یا حبس نماینده مجلس، به قصد اجرای حکم صادر علیه او، اگر چه قطعی و واجب الاجرا باشد، ضروری است.

اما انگلستان با این که قانون اساسی کامل و مدوئی ندارد، اما حقوق دانان، مواد قانونی نظام عمومی جامعه و کشور را از عرف ها و توافق های سیاسی غیر مدون و مصوبات قانونی پارلمان، اخذ می کنند. موادی در لایحه حقوق بشر سال ۱۶۸۹ میلادی انگلستان، نشان می دهند که نیاستی آزادی اظهار نظر در مجلس و مناقشات در آن یا نحوه تصمیم گیری ها در آن، مقهور بازجویی ها و پیگردهای قضایی در هر مکان یا دادگاهی در خارج از مجلس، باشد.

حدود مصونیت پارلمانی

از قوانین مذکور استفاده می شود که مصونیت پارلمانی منحصرأ دو مورد را از قوانین عادی استثنا می کند که به واسطه این دو مورد، یک نماینده از سایر شهروندان متمایز می شود و آن دو مورد عبارت اند از:

۱. نمایندگان در قبال اظهاراتشان در پارلمان، چنانچه برخی قسمت های آن متضمن نظریاتی باشد که وضع سیاسی حاکم را به نقد بکشد و دربردارنده آرای باشد مخالف نظام و به لحاظ قضایی قابل تعقیب، مسؤول نیستند و جرم محسوب نمی شود.

۲. نمایندگان مجلس در طول تصدی دوره نمایندگی، نسبت به جرایم و تبعات جزایی و حقوقی آن از حرمت فردی برخوردارند. بنابراین گشودن نامه ها، شنود مکالمات

تلفنی، تفتیش اسناد و مدارك و اوراق خصوصى آنها بدون اجازه او، و بازداشت و محاكمه آنها بدون اجازه مجلسى كه عضو آن هستند، جایز نیست حتى اگر متولى مسؤولیت های رسمی دیگری غیر از مسؤولیت نمایندگی باشند.

البته مصونیت پارلمانی منحصر در حمایت شخص نماینده است و شامل اعضای خانواده، معاونین، محل سکونت، کتابخانه و مقر حزبی نمی شود.

بنابراین مصونیت پارلمانی، نمایندگان را در صورت ایراد برخی سخنان در محل پارلمان و ارتکاب جنایت، از دعاوی و اقدامات جزایی علیه آنها مصون می دارد.^۶ از طرفی مصونیت پارلمانی شامل تمامی افرادی که عهده دار امر قانون گذاری هستند، می شود.

بنابراین تمامی اعضای مجالس شورای ملی و سنا - به فرض وجود چنین مجالسی - از مصونیت پارلمانی برخوردارند.



هدف از مصونیت پارلمانی

اعطای مصونیت پارلمانی به اعضای مجلس قانون گذاری به این منظور است که نماینده و قانون گذار با آزادی کامل وظیفه اش را که نوعاً برخورد نقادانه با مسائل و معارضه با نظام را می طلبد انجام دهد و در مورد حوادث جاری کشور با آزادی کامل به گونه ای اظهار نظر کند که چنانچه این گونه اعمال از فرد دیگری صادر شود، مخالفت با قانون محسوب شده، قابل تعقیب باشد. هدف دیگر این که نماینده مجلس در طی ایفای نقش نمایندگی، تحت فشارهای سیاسی مراکز قدرت که ممکن است به منظور تأثیر بر نظریات و مواضع او در قبال مسائل مطرح شده در مجلس، اتهاماتی را علیه او جعل کنند، قرار نگیرد و شان و حرمت نمایندگان ملت مخدوش نگردد.

۶. همان؛ معجم المصطلحات الفقهية والقانونية (گورگیس)، ص ۱۳۹؛ معجم المصطلحات القانونية (کورنو)، ص ۶۸۵.

ادله وجود مصونیت پارلمانی در قانون جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران میان طرف داران وجود یا نفی مستند قانونی بر اثبات مصونیت پارلمانی بحث و گفتگو است. به این معنا که آیا در قانون اساسی ایران یا قوانین عادی مصوبه مجلس شورای اسلامی ایران ماده ای وجود دارد که برای قانون گذاران اثبات مصونیت کند یا نه؟

تأیید کنندگان مصونیت پارلمانی [برای اثبات ادعای خود] به اصل هشتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استناد می کنند، آن جا که می گوید:

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی و اظهار نظر و رای خود کاملاً آزاد هستند و آنها را به سبب نظریاتی [که در مجلس اظهار کرده اند] یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند نمی توان تعقیب یا توقیف کرد.

این اصل اگرچه مصونیت قضایی را برای نمایندگان مجلس با لفظ «مصونیت قضایی» ثابت نمی کند اما می توان گفت که تا اندازه ای در بیان این مفهوم و به طور مطلق از جهت مورد اول مصونیت پارلمانی که در قوانین کشورهای جهان ذکر شده است، صراحت دارد. اما این اصل به هیچ وجه به مورد دوم مصونیت پارلمانی که در قوانین کشورهای جهان ذکر شده، ناظر نیست؛ زیرا نماینده مجلس در قبال اعمالی که انجام می دهد و مسؤلیت در برابر قانون، همانند سایر افراد ملت است.

بر استناد به اصل قانونی فوق، اشکال شده که: این اصل، تنها یک نوع مصونیت قضایی را در قبال کارهایی که نمایندگان در مقام ایفای وظایف نمایندگی انجام می دهند تضمین می کند. به این معنا که طبق این ماده، نماینده نبایستی به سبب اظهار رای مخالف در جریان تصویب مصوبات مجلس، یا به سبب ابراز دیدگاهی در برابر تصمیم معینی، مورد تعقیب قانونی قرار گیرد؛ زیرا ممکن است نمایندگان به صرف انجام چنین اعمالی مورد تعقیب قرار گیرند. اما این ماده بیش از این متعرض نمی شود که مثلاً آیا

نماینده می تواند برخی نهادها و شخصیت ها را متهم نموده و به آنها بی حرمتی کند. علاوه بر این، اصل قانونی فوق با اصل چهارم قانون اساسی متعارض است. آن جا که می گوید:

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

این اصل بر حکومت و نفوذش بر سایر قوانین تصریح دارد، به طوری که هر اطلاق و عمومی که در سایر اصول وجود دارد به واسطه آن مقید می شود.

بنابراین اصل ۸۶ قانون اساسی بر فرض اطلاقش، اگرچه شامل حالت های تهمت، افترا، توهین، دروغ و غیر اینها می شود اما این اطلاق با اصل چهارم قانون اساسی مقید می شود.

ثانیاً، اصل ۸۶ با اصل های بیستم و سوم قانون اساسی که در بند چهاردهم آن به تساوی عموم مردم اعم از مردان و زنان در قبال قانون تصریح می کند، در تعارض است. بدیهی است که استثنای نمایندگان مجلس از محاکمه و تعقیب قضایی، نوعی تبعیض میان آنها و سایر افراد ملت است.

ثالثاً، اصل مزبور با اصل ۱۵۶ قانون اساسی که به مسؤولیت قوه قضائیه بر تعقیب، پیگیری شکایات و تخلفات، رفع خصومات و حل و فصل دعاوی و امثال آنها تصریح می کند، در تعارض است.

رابعاً، عمل به اصل مزبور ممکن نیست؛ زیرا این اصل مستلزم آن است که در منازعات میان خود نمایندگان در صحن مجلس، نتوانیم حکمی صادر کنیم، با این که عقل حکم می کند این مسأله مورد اهمال قرار نگیرد. چنین نیست که نزاع میان نمایندگان، نادر باشد، بلکه به مقتضای وظیفه ای که دارند، عادتاً میان آنها نزاع رخ می دهد خصوصاً که اعضای

مجلس به احزاب و جمعیت های مختلفی گرایش دارند که میانشان درگیری و رقابت سیاسی وجود دارد.

اشکالات فوق به این صورت قابل جواب است که: اصل ایراد بر این مستند قانونی صرفاً نظریه ای تفسیری از اصل مزبور است و چنانچه ثابت شود دیدگاه دیگری مخالف آن وجود دارد بایستی به مرجعی که در قانون اساسی برای تفسیر اصولش معین شده یعنی شورای نگهبان رجوع کرد؛ چنان که ماده نود و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن تصریح می کند:

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنها صورت می گیرد.

در مورد اصول معارض با اصل مزبور، بایستی بگوییم: این اصول نمی توانند مورد استناد گروهی که مخالف ثبوت مصونیت پارلمانی برای نمایندگان مجلس هستند، قرار گیرد؛ به ویژه که اصل ۸۶ اخص از آن اصول است و در واقع این اصل بیشتر شبیه استثنا است نسبت به دو اصل سوم و پنجاه و ششم بلکه چنانچه فرض کنیم به اصل قانون، مصونیت دیپلماتیک ثابت است در این صورت نسبت آن اصل با اصل سوم، نسبت ورود است نه تخصیص؛ زیرا اصل سوم، تساوی تمامی افراد ملت را در برابر قانون بیان کرده است نه بیشتر از آن.

بله، تا وقتی که وجود دلیلی شرعی بر استثنایی که دارای عنوان معینی است و به موجب آن اعضای مجلس شورای ملی مشمول مجازات های مربوط به برخی تخلفات می شوند، ثابت نشود، رهایی از اشکالی که اصل چهارم ایجاد می کند، مشکل است.

شروط مصونیت پارلمانی^۷

از اصل هشتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استفاده می شود که

۷. ر. ک: الموسوعة السياسية، ج ۲، ص ۵۴۸؛ معجم المصطلحات الفقهية والقانونية (کورگیس)، ص ۱۳۹؛ معجم المصطلحات القانونية (کورنو)، ج ۱، ص ۶۸۵.

مصونیت پارلمانی دارای شروط متعددی است :

۱. بیاناتی که نماینده اظهار می کند و ممکن است به سبب آنها تحت تعقیب قضایی قرار گیرد در محل پارلمان ابراز شده باشد. بنابراین چنانچه این اظهارات از نماینده در مکان دیگری خارج از مجلس صادر شود، مشمول حق مصونیت پارلمانی نخواهد شد.

۲. بایستی انگیزه نماینده در بیاناتش، ایفای نقش نمایندگی باشد. بنابراین چنانچه نماینده ای خارج از این چارچوب اظهار نظر کند، می توان او را به واسطه این اظهارات تحت تعقیب قضایی قرار داد. برای تشخیص این که نماینده، چنین انگیزه ای دارد کافی است حال ظاهری وی گواه بر این باشد که وی در صدد انجام وظیفه اش است، مثل این که در جریان اعتراض به سخنانی برخی نمایندگان، چنین بیاناتی را اظهار کرده باشد یا این که در جریان مناقشه در موضوعی که در مجلس به بحث گذاشته شده و آماده تصویب است بیاناتی اعتراض آمیز اظهار کند و ...

۳. بایستی بیاناتی که ممکن است نماینده به سبب آنها تحت تعقیب قرار گرفته یا حرمت شخصی اش مورد تعرض واقع شده، در حال برخورداری از پست نمایندگی اظهار شود. بنابراین چنانچه این بیانات یا شنود مکالمات تلفنی او قبل از احراز این پست و یا پس از آن انجام شود، مشمول حق مصونیت پارلمانی نخواهد شد و اتخاذ تصمیم معین به سبب این گونه اظهارات، ناقض این حق نخواهد بود.

سازگاری فقه با مصونیت پارلمانی

بدیهی است که مصونیت صفتی اعتباری است که وجود و عدم آن تابع اراده و اختیار قانون گذار است و قانون گذار در وضع و عدم وضع یک قانون تابع قواعد عامی است که در عرصه قانون گذاری بایستی پیروی شود. بنابراین قانون گذار در صورت وضع یک حکم یا قانون، مصالح و مفاسدی را که بر عمل به آنها مترتب است در نظر می گیرد؛ زیرا آن حکم یا قانون بر تعهد و الزام فردی که مسلک «وضع» (پوزیتیویسم) آن را در تمامی قوانین

پذیرفته و مسلک «شرع» در خصوص قوانین مربوط به منطقه الفراغ یا مواردی که شارع هیچ حکمی الزامی در آن‌ها ندارد و مطابق با الزام و تعهدات افراد تشریح می‌شود، مبتنی می‌باشد. اما اگر آن حکم یا قانون بر ساختار الزام و تعهد غیر فردی مبتنی باشد به این معنا که آن حکم یا قانون از جانب مبدئی برتر و نیرویی غیبی که حق تشریح دارد و انسان مکلف است به موجب آن، عمل و اطاعت کند، صادر شده باشد، در این صورت ما در واقع از دلیلی پیروی می‌کنیم که کاشف از آن حکم یا قانون است، اگرچه نتوانیم مصالح و مفاسد نهفته در ورای این حکم یا قانون را درک کنیم.

به هر حال قول به مصونیت پارلمانی یا عدم آن، تابع وجود یا عدم دلیل شرعی و مستند قانونی آن است. اما با توجه به این که در صورت شک و عدم علم به ثبوت یا عدم ثبوت حکمی از طرف شارع مقدس، اصل عملی مقتضی عدم ثبوت حکم است و برای قائل شدن به عدم مصونیت پارلمانی کافی است که دلیل شرعی یا مستند قانونی برای آن نداشته باشیم؛ زیرا در این صورت حالت سابق بر سمت نمایندگی را استصحاب می‌کنیم و آن حالت سابق مقتضی این است که چنانچه نماینده مرتکب تخلفی شود بایستی تحت پیگرد قانونی قرار گیرد.

در این جا در مورد تخلفی که نماینده مرتکب شده، اصل براءت جاری نمی‌شود، زیرا فرض، ارتکاب تخلف او است. نهایت امر این است که آثار قانونی تخلف انجام شده، از قبیل تعقیب و بازداشت و بازجویی و صدور حکم مجاز است، بر آن مترتب نشود. همچنین در مورد ثبوت حکم مصونیت نیز جاری نمی‌شود؛ زیرا اصل براءت تنها در احکام تکلیفی الزامی جاری می‌شود نه در مورد احکام وضعی و صفات اعتباری که مورد بحث ما است.

اما قول به ثبوت مصونیت برای نمایندگان، از آن جا که اصل عملی بر خلاف آن است، لهذا نیازمند به دلیل و مستند قانونی است. به همین جهت برای مصونیت پارلمانی به چند دلیل استدلال شده که آنها را ذکر می‌کنیم:

دلیل اول: تظلم و دادخواهی

گروهی از فقها تظلم و دادخواهی را از مستثنیات غیبت شمرده اند^۸ و بر این قول خود به ادله ای استدلال کرده اند؛ از جمله این آیه شریفه:

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ۙ ۹

خدا دوست نمی دارد که سخن زشت آشکار شود مگر از مظلوم.

همچنین این آیه:

وَلَمَنْ اِنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ۚ اِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۙ ۱۰

و هر کس پس از ظلمی که به او رفته برای انتقام یاری طلبد بر او هیچ مؤاخذه ای نیست. تنها راه مؤاخذه بر آنهایی است که بر مردم ظلم کنند و در زمین به ناحق شرارت برانگیزند.

روایاتی در تفسیر آیه اول وارد شده است؛ از جمله در تفسیر عیاشی از فضل بن ابی قره از امام صادق (ع) در مورد این کلام خداوند که: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ» نقل است:

کسی که گروهی را مهمانی دهد و به نحو بدی از آنها پذیرایی کند، آنها از جمله کسانی هستند که مورد ظلم واقع شده اند و لذا آنچه علیه میزبان بگویند بر آنها گناهی نیست.^{۱۱}

۸. ر.ک: کرکی، جامع المقاصد، ج ۴، ص ۲۷؛ رسائل، شهید ثانی، ص ۳۰۰؛ حدائق الناضره، بحرانی، ج ۱۸، ص ۱۶۰؛ مستند الشیعه، نراقی، ج ۲، ص ۳۴۷؛ مصباح الفقاهه، خویی، ج ۱، ص ۵۳۳ و غیر اینها.

۹. نساء، آیه ۱۴۸.

۱۰. شوری، آیه ۴۱-۴۲.

۱۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۳، ح ۲۹۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۹، ابواب احکام العشره، باب ۱۵۴، ح ۶.

شبهه این روایت در مجمع البیان آمده است.^{۱۲}

بر مطلب فوق به وجوه و مؤیدات دیگری هم استدلال شده است.^{۱۳} اما آشکار است که «آشکار شدن سخن زشت» عنوانی عام است و اختصاص به ذکر عیب در فرد، نمی شود بلکه شامل حتی مواردی مثل اهانت و دشنام هم می شود. به همین جهت امام باقر (ع) فرمود:

لا يحب الله الشتم في الانتصار الا من ظلم فلا باس به ان ينتصر ممن
ظلمه بما يجوز الانتصار به في الدين؛^{۱۴}

خداوند دوست ندارد کسی برای یاری طلبیدن دچار ناسزاگویی شود مگر کسی که مورد ستم واقع شده. بنابراین مظلوم می تواند از کسی که به او ظلم شده به آنچه در دین یاری طلبیدن به آن جایز است، یاری طلبد.

برخی فقهای ما به این تعمیم اشاره کرده اند^{۱۵} و برخی معاصران تلاش کرده اند که این دلیل را بر مورد بحث، تطبیق دهند.^{۱۶}

نقد بررسی دلیل اول

تطبیق دلیل مزبور بر مورد بحث، با چند اشکال مواجه است:

۱. این دلیل مبتنی بر این است که غیبت کردن و آشکار نمودن عیب ظالم نزد هر کسی جایز باشد اعم از این که آن فرد به دفع ظلم از مظلوم قادر باشد یا نه. در حالی که گروهی از فقها تصریح کرده اند که جواز غیبت مختص به کسی است که قادر به رفع ظلم از مظلوم

۱۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۳۱؛ وسائل الشیعه، همان، ح ۷.

۱۳. شیخ انصاری، المکاسب، ج ۱، ص ۳۴۸؛ خوبی، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۵۳۳.

۱۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۳۱.

۱۵. حکیم، محمد سعید، مصباح المنهاج، ص ۳۴۳؛ روحانی، فقه الصادق، ج ۱۴، ص ۳۴۰.

۱۶. آیت الله شیخ یوسف صانعی.

باشد و دلیلشان این است که در موارد شک، بایستی بر قدر متیقن اکتفا نموده و به دلیل عامی که حکم به حرمت غیبت می کند رجوع کرد.^{۱۷}

اما به نظر ما این اشکال پس از روشن شدن این مطلب که گروهی از فقها تظلم را به طور مطلق - حتی نزد کسی که قادر به رفع ظلم از مظلوم نیست - جایز دانسته اند، مندفع می شود؛ زیرا ادله ای که غیبت را در این گونه موارد تجویز کرده اند، مطلقند و چیزی هم که صلاحیت تقیید آنها را داشته باشد، وجود ندارد.^{۱۸}

به علاوه ممکن است گفته شود که اگر مناط جواز غیبت در مورد تظلم، رفع ظلم از مظلوم است؛ در این صورت به احتمال زیاد فریاد نماینده از پشت تریبون نمایندگی به تظلم و پخش آن از طریق وسایل تبلیغاتی مختلف یکی از مصادیق رفع ظلم بلکه یکی از بارزترین آنها است.

۲. دلیل یاد شده بر این مبنا است که استثنای موارد ذکر شده در آیه، از موارد حرمت اهانت مسلمان و ناسزا گفتن به او و غیبت کردن و آشکار نمودن عیوب او، شامل مظلوم و هر کسی که نماینده او است، می باشد و صرفاً مختص مظلوم نیست و از آن جا که اعضای مجالس قانون گذاری، نمایندگان مردم هستند، می توانند برای دفاع از مردم و حقوقشان و زیان های وارد به آنها، چنین اعمالی را انجام دهند.

مبنای فوق، درست نیست؛ زیرا بدیهی است که جواز تظلم و دادخواهی، به مظلوم اختصاص دارد نه به وکیل یا نماینده اش؛ زیرا در این گونه موارد باید به قدر متیقن اکتفا نمود و قائل شد که ظلم در حق وکیل و نماینده مظلوم صادق نیست. به عبارت دیگر استثنا در ادله ظلم، شخصی است و شامل غیر شخص مظلوم همچون نماینده و امثال او نمی شود. عقد وکالت اگرچه از جمله عقود معتبر شرعی است و وفا به آن واجب، اما وفا به این عقد در مواردی که شرع حرام کرده یا قانون منع نموده است، صحیح نیست.

۱۷. ر.ک: شهید ثانی، کشف الریبه فی احکام الغیبه، ص ۷۷؛ سبزواری، کفایة الاحکام، ص ۸۶؛ مستند الشیعه، ج ۲، ص ۳۴۷؛ عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۶۶.
۱۸. الحدائق الناضره، ج ۱۸، ص ۱۶۰؛ شیخ جعفر، شرح القواعد (خطی)، ص ۳۴.

ممکن است از این اشکال، چنین پاسخ داده شود: اگرچه ظاهر استثنا در آیه، این است که شامل غیر مظلوم نمی شود، اما این در صورتی است که هتک حرمت یاد شده (مثلاً غیبتی که غیر مظلوم از ظالم می کند)، از غیر مظلوم (مثل نماینده مجلس یا وکیل) به عنوان او صادر شده باشد. اما در صورتی که این هتک حرمت از او به عنوان این که نماینده و وکیل در دفاع از مظلوم است صادر شده باشد در این صورت بی تردید او هم می تواند چنین کاری انجام دهد و گرنه در دعاوی قضایی کسی نمی تواند دیگری را وکیل کند در حالی که توکیل دیگری به رغم این که مستلزم امور یاد شده است، بدون هیچ اشکالی نزد تمامی فقها جایز است.

۳. دلیل فوق به فرض تمامیت، در صورتی است که ستمی در حق ملت شده باشد؛ در حالی که مراد از ثبوت حق مصونیت پارلمانی برای نمایندگان مجلس، اعم است از تحقق ظلم و غیر ظلم. به عبارت دیگر ثبوت مصونیت مورد بحث برای نمایندگان، ثبوت آن به طور دایم است؛ در حالی که دلیل مزبور تنها مصونیت را برای نمایندگان در صورت وارد شدن ظلم به ملت و در حالت های استثنایی ثابت می کند.

دلیل دوم: انجام وظیفه

این دلیل مرکب از دو مقدمه است:

مقدمه اول: وظایف نمایندگان مجلس عبارت است از: وضع قانون در تمامی امور کشور (اصل ۷۱ قانون اساسی) و بررسی بودجه سالانه دولت و تصویب برنامه های دولت و از جمله تصویب برنامه پنج ساله (اصل ۵۲ قانون اساسی) و تصویب معاهده ها، پیمان ها و قراردادهای اقتصادی و سیاسی و غیر آن که بین یک کشور و سایر کشورهای جهان منعقد می شود (اصل ۷۷ قانون اساسی) و انجام تحقیق و تفحص در تمامی مسایل کشور (اصل ۷۶ قانون اساسی) و دادن رأی اعتماد به هیأت وزیران (اصل ۷۸ قانون اساسی) و پیگیری شکایات علیه قوه اجرائیه و قضائیه و غیر اینها.

مقدمه دوم: اقدام به این کارها و انجام وظایف فوق معمولاً از ارتکاب برخی

مخالفت های شرعی و قانونی از قبیل تجسس، غیبت، اهانت، آزار دیگران، اشاعه منکرات، آشکار کردن سخن زشت و غیر اینها، جدا نیست؛ زیرا معنای تحقیق در سوابق وزیری که قرار است به او رای اعتماد داده شود و پیگیری شکایاتی که علیه قوه قضائیه و نهادهای پیرو آنها شده، همان تجسس در حقیقت مطلب است و کسب اطلاعات در این موارد و رایزنی در مورد آنها، مستلزم غیبت آنها است و همچنین ضعیف قلمداد نمودن کار آنها، نظر دادن به عدم کفایت آنها در امر اداره مجموعه تحت نظارت خود و عدم آگاهی از مسایل سیاسی و غیر اینها، اهانت و ایدای آنها است و بالاخره اظهار نظرهای منفی در مورد آنها و نقل اعمالی خلاف اخلاق و دین که صدورشان از آنها ثابت شده، اشاعه منکر و آشکار کردن سخن زشت قلمداد می شود و ...

بنابراین برای این که نمایندگان ملت قادر باشند وظایف خویش را انجام دهند و به مسؤلیت های نمایندگی خود به طور دقیق و همان طوری که در قانون از آنها خواسته شده عمل نمایند، بایستی مرتکب چنین تخلفاتی شوند.

۱۲۵

فصل اول

صورت پارلمانی از نگاه فقه

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نقد و بررسی دلیل دوم

دلیل دوم نیز با اعتراضاتی مواجه است که برخی از آنها را ذکر می کنیم:

الف) نهایت چیزی که اقدام به وظایف نمایندگی اقتضا می کند این است که نماینده در قبال مسائل مطرح شده، موضعی مناسب و مبتنی بر بینش و روش برگرفته از راه های مشروع، اتخاذ کند. اما چیزی بیش از این که تحصیل آن متوقف بر به کارگیری شیوه و روش هایی باشد که به لحاظ شرعی و قانونی ممنوع است، مطلوب نیست. بنابراین تجسس، غیبت، پیگیری نقایص و عیوب مردم و دنبال کردن لغزش های آنها، جایز نیست؛ چه رسد به افشای آنها از طریق وسایل تبلیغاتی اعم از روزنامه، رادیو و تلویزیون.

ب) به فرض که تحقق مطلوب این وظایف، متوقف بر ارتکاب تخلفات مزبور باشد، دلیل نمی شود که انجام دادن آنها برای نمایندگان مجلس جایز باشد بلکه در این فرض، بر نمایندگان است که پست نمایندگی را به طور کلی ترك گویند؛ زیرا به مقتضای قاعده،

تصدی پست نمایندگی واجب نیست .

اشکال: این مطلب در صورتی درست است که نماینده هنوز خود را نامزد نمایندگی نکرده یا ملت او را برای نمایندگی انتخاب نکرده باشند ؛ زیرا در این صورت ملزم به چیزی نیست ؛ اما پس از انتخاب ، بایستی به مقتضای پیمانی که بین او و رای دهندگان بسته شده ، وارد عمل شده از مصالح آنان دفاع کند و در قبال این رای ، به نیابت از آنها به امورشان رسیدگی کند .

جواب: این اشکال وارد نیست ؛ زیرا :

اولاً ، این اشکال مبتنی بر نظریه «قرارداد اجتماعی» است ؛ در حالی که این نظریه از نظر اندیشه وضعی مورد مناقشه و اشکال است چه رسد به اندیشه دینی . ما در نوشته های دیگر برخی اشکالات این نظریه را بیان کرده ایم .^{۱۹}

ثانیاً ، این اشکال مبتنی بر این است که عقد میان نماینده مجلس و رای دهندگان ، عقد وکالت باشد در حالی که این مبنا نیز ، هم از نظر مسلک وضع و هم از نظر مسلک شرع مورد مناقشه است و ما در این مورد نیز به این مناقشه ها اشاره کرده ایم .^{۲۰}

ثالثاً ، به فرض صحت تئوری قرارداد اجتماعی و این که عقد میان نماینده و رای دهندگان ، عقد وکالت باشد ، باز هم این عقد ، عقد لازم نیست . یعنی عقدی نیست که عضو مجلس قانون گذاری نتواند آن را فسخ کند ؛ زیرا بدیهی است که عقد وکالت ، از نظر مسلک وضع و شرع از عقود جایز است .

دلیل سوم: تراحم ملاکها

این دلیل نیز از دو مقدمه تشکیل شده است :

مقدمه اول: بی تردید کار نمایندگی متضمن مصالح بزرگ و مهمی است که به منافع کشور برمی گردد ؛ زیرا مشارکت مردم در امر قانون گذاری و تصمیم گیری های سیاسی

۱۹ . المنهاج ، شماره ۲۷ .

۲۰ . همان ، شماره ۲۵ .

موجب تحکیم احساس مسؤولیت شهروندان در قبال نظام سیاسی کشور شده، آنها را بر عدم مخالفت با آن برمی انگیزاند. چنان که رأی اعتماد نمایندگان به هیأت وزیران، در حد بسیار بالایی به دولت اطمینان و اعتماد به نفس می دهد و آنها را در قبال آحاد ملت و نمایندگانشان دچار احساس مسؤولیت می کند.

در این هم تردیدی نیست که کار نمایندگی مقتضی ارتکاب برخی مخالفت های شرعی و قانونی است.

مقدمه دوم: بین دو امر فوق تزامم واقع می شود و امر دایر می شود بین ترك كار نمایندگی به طور کلی و ارتکاب اعمال خلاف مزبور. در این صورت قول به تجویز کارهای خلاف فوق متعین می شود؛ زیرا مفسد کار خلاف هر چند زیاد باشند، به حد مصالحی که بر کار نمایندگی و مفسدگی که بر ترك آن مترتب است، نمی رسد؛ زیرا حکومتی که بر پایه فعالیت های نمایندگان استوار نباشد (حکومت غیر نمایندگی)، این حکومت بستر مناسبی برای رشد هرج و مرج، شکاف طبقاتی، استبداد، زیاده طلبی و غیر اینها خواهد شد. بدیهی است که مراد از مصونیت پارلمانی چیزی بیش از این نیست که اعضای مجلس نمایندگان تنها تا زمانی که متصدی این پست هستند مجازند مرتکب تخلفاتی شوند که فعالیت های نمایندگی متوقف بر آنها است.

نقد و بررسی دلیل سوم

اولاً، اشکال دلیل سابق، بر این دلیل هم وارد می شود و آن این که نمایندگی واجب نیست تا بین آن و تجویز ارتکاب این گونه کارهای خلاف از طرف نمایندگان، تزاممی روی دهد؛ زیرا قواعد تزامم در جایی جاری می شوند که امر دایر بین دو حکم تکلیفی الزامی باشد به طوری که مکلف قادر به امتثال هر دو با هم نباشد. لذا در مقام عمل، حکم به تقدیم آن تکلیفی می شود که نسبت به تکلیف دیگر دارای ملاک مهم تری است. اما چنانچه امر دایر بین دو حکمی باشد که یکی از آنها الزامی و دیگری غیر الزامی است، در این صورت قواعد تزامم جاری نمی شود؛ زیرا محذوری نیست و از سوی دیگر مندوحه

و چاره - یعنی ترك آن فعلی که الزامی نیست و انجام دادن فعلی که الزامی است - موجود است. بلکه در نقد دلیل فوق می توان گفت: ساختار این استدلال خالی از تعارض نیست؛ زیرا بدیهی است که اگر سمت نمایندگی را دارای مصالحی بدانیم که از نظر اهمیت بر مفاسدی که در صورت ترك آن و عمل نمودن به نظام جایگزین، مترتب است برتری دارد، در این صورت بایستی به دلیل اولویت، شغل نمایندگی واجب باشد؛ زیرا دلیل اولویت چیزی جز احراز اهمیت ملاک یک موضوع نسبت به موضوع کم اهمیت تر دیگری که قصد داریم حکمش را به آن سرایت دهیم، نیست. در حالی که بدون تردید سمت نمایندگی واجب نیست.

آری، ممکن است نمایندگی با یک عنوان ثانوی، از باب ضرورت های اجتماعی و توقف حفظ، ثبات و نیز محافظت نظام از مفاسد، بر آن، واجب شود اما این وجوب، عقلی و از باب مقدمه و با عنوان ثانوی است نه با عنوان اولی.

ثانیاً، دلیل مزبور متضمن این است که کار نمایندگی متوقف بر ارتکاب یک سلسله مخالفت ها با شرع و قانون باشد، در حالی که، قبلاً در این مساله تشکیک کردیم.

ثالثاً، به فرض که کار نمایندگی الزامی باشد و توقف آن بر ارتکاب یک سلسله کارهای خلاف نیز موجب جریان قواعد تراحم در آن نشود، بلکه قواعد تعارض در آن جریان یابد؛ زیرا بدیهی است که قواعد تراحم تنها در مورد دو حکم تکلیفی الزامی ای جاری می شود که در یک مورد اجتماع کرده باشند و مکلف قادر به امتثال هر دو حکم نباشد؛ نه در جایی که اجتماع دو حکم با شرایط مزبور، دایمی باشد، چنان که مورد بحث ما چنین است؛ زیرا در این موارد بایستی ملاحظه کرد که مصلحتی که پس از کسر و انکسار در عالم جعل و تشریح و نه در عالم مجعول و مقام امتثال، باقی می ماند، چقدر است.

اما این، اشکالی فنی است که متوجه اصل نتیجه نیست بلکه متوجه طریقه و راهی است که به آن نتیجه رسیده شده؛ زیرا نتیجه در هر دو مقام یکی است و شاید مراد از تراحم عبارت از تراحم میان مصالح در مقام جعل باشد نه تراحم اصطلاحی.

دلیل چهارم: شورا

خلاصه تقریب این استدلال چنین است: در مورد کار نمایندگی دلیل شرعی وجود دارد و آن دلیل شرعی آیه «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»^{۲۱} است و لازمه این دلیل شرعی این است که کلیه کارهای خلاف شرع و قانون که با امر شورا منافات دارد، جایز باشد.

نقد و بررسی دلیل چهارم

تمامیت این استدلال متوقف بر دو امر است:

امر اول: این که وظایف نمایندگی بر کارهای قانونی و شرعی، ترجیح داشته باشد. قبلاً گذشت که این ادعا پذیرفتنی نیست؛ زیرا کار نمایندگی واجب نیست تا بر عملی که حرمتش قطعی است، ترجیح داشته باشد و آیه شریفه مذکور، بر وجوب کار نمایندگی دلالت ندارد؛ چنان که بیان خواهیم کرد.

امر دوم: بین وظایف نمایندگی و ارتکاب اعمال خلاف شرع و قانون، ملازمه وجود دارد. گذشت که این ملازمه محل اعتراض و اشکال است.

از مجموع مطالب پیشین، استفاده می شود که ادله گذشته متوقف بر اثبات چند مسأله است؛ از جمله اثبات ملازمه بین وظایف نمایندگی و ارتکاب کارهای خلاف شرع و قانون. اشکالات دیگری نیز وجود دارد که قبلاً به آنها اشاره شد و اصل ثبوت حق مصونیت برای هر یک از افراد ملت را - اعم از نماینده و غیر نماینده - رد می کند و تمامی آنها به ثبوت منافات بین حق مصونیت پارلمانی و قوانینی که شارع به طریق تاسیس یا امضا تشریح کرده است و آنها را اگر نگوئیم تمامی کشورهای جهان، دست کم اکثر کشورها به مشابیه یک سلسله قانون پذیرفته اند، و ذوق عرفی عمومی هم آنها را پسندیده است برمی گردد. اینک برخی از این اشکالات را ذکر می کنیم:

۱. قوانینی که مصونیت پارلمانی را تشریح کرده اند با اصل مساوات که شریعت در

۲۱. شوری، آیه ۳۸.

ضمن آیه زیر با صراحت تمام آن را پذیرفته است، منافات دارد:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا
إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛^{۲۲}

ای مردم، ما همه شما را از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه های بسیار و فرقه های مختلف گرداندیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا بزرگوارترین شما نزد خدا باتقواترین شما است.

رسول خدا (ص) می فرماید:

الناس سواسية كأسنان المشط؛^{۲۳}

مردم مانند دندانه های شانه با هم مساوی اند.

و نیز این سخن آن حضرت:

لا فضل لعربي على اعجمي ولا لاسود على ابيض الا بالتقوى؛^{۲۴}

هیچ عربی نسبت به هیچ عجمی و هیچ سیاهی نسبت به هیچ سفیدی برتری ندارد مگر به تقوا.

روایات بسیار دیگری نیز در این زمینه وارد شده است.^{۲۵}

اصل مساوات اصلی است که لایحه حقوق بشر، که مورد پذیرش همه یا اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان است، آن را قبول کرده است و قوانین اساسی کشورهای مختلف جهان نیز به آن تصریح دارند.

۲۲. حجرات، آیه ۱۳.

۲۳. مسند الشهاب، ج ۱، ص ۱۴۵؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۳۹؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۱.

ح ۹۹.

۲۴. مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۲۷۲؛ زاد المعاد، ج ۲، ص ۲۲۶؛ مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۵۹۸؛ البيان والتبيين، ج ۲، ص ۲۵؛ مسند احمد، ص ۴۱۱.

۲۵. ر.ك: الكافي، ج ۸، ص ۱۸۱؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹۵؛ ج ۷۰، ص ۲۳۹؛ مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۲۷۲.

۲. مصونیت پارلمانی با وظیفه ای که بر عهده قوه قضائیه است مبنی بر پیگیری شکایات و تخلفات از هر کسی که سر بزند و حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و امثال آن با هر طرفی که این دعوا و خصومت واقع شده باشد، منافات دارد؛ به ویژه که برخی منازعات گاهی میان خود نمایندگان مجلس روی می دهد بلکه وقوع نزاع میان نمایندگان مجلس امری عادی است؛ زیرا وظایفشان ایجاب می کند که در مورد انتخاب افراد برای برخی مسؤولیت ها و رأی به برخی قطع نامه ها، به نقد و تأیید و مناقشه و دفاع بپردازند؛ خصوصاً اگر نمایندگان مجلس به احزاب، جنبش ها و جمعیت های مختلف وابسته باشند که با یکدیگر درگیری و رقابت سیاسی داشته دارای دیدگاه ها و روش های عملی گوناگونی باشند.

ثالثاً، قوانینی که مصونیت پارلمانی را تشریح می کنند، علاوه بر این که با قاعده اشتراك تمامی مسلمانان در احکام شرعی منافات دارند، با اطلاعات و عمومات ادله شرعی ای که بر حرمت مال، جان و آبروی مسلمانان و حرمت ایذا، غیبت، تهمت و غیر اینها دلالت دارند، در تعارضند.

تحقیق بحث

از آنچه گذشت روشن می شود که در بحث از مصونیت پارلمانی عناصری وجود دارند که بایستی بحث را در آن موارد به عنوان مقدمه تنقیح کرد تا در نهایت به رأی و نظریه مورد قبول، برسیم. از این رو مناسب دانستیم در این مسأله با مقدماتی که دارد در طی پنج مبحث به بحث و بررسی بپردازیم:

مبحث اول: آیا وظایفی که در قانون اساسی تدوین شده است، وظایفی لازم برای کار نمایندگی است؟

مبحث دوم: آیا میان قیام به وظایف نمایندگی و ارتکاب برخی تخلفات قانونی، ملازمه وجود دارد؟

مبحث سوم: حکم وظیفه نمایندگی.

مبحث چهارم: حکم ارتکاب تخلفاتی که ملازم با سمت نمایندگی است از نظر حرمت تکلیفی و آثار وضعی آنها.

مبحث پنجم: تعیین مرجعی که مصادیق تخلفات ناشی از شغل نمایندگی را تشخیص دهد.

مبحث اول: وظایف نمایندگی

قبلاً به هنگام بیان دلیل دوم از ادله مصونیت پارلمانی، مهم‌ترین وظایف نمایندگان در قانون اساسی را برشمردیم. آنچه اینک در صدد بررسی آن هستیم این است که آیا این وظایف و رسالت‌ها از لوازم نمایندگی است؟ زیرا در صورتی که چنین نباشد، می‌توان در آنها به گونه‌ای تصرف کرد تا اشکالاتی که به واسطه آنها پدید می‌آیند، مرتفع شوند و در نتیجه محذورات یاد شده از بین رفته دیگر نیازی به اعطای حق مصونیت به نمایندگان ملت نباشیم.



سال ۸ / شماره ۳۰

آشکار است که چارچوب بحث، مقتضی است که ما بحث مفصلی از آن نداشته باشیم؛ بلکه بر ما است که لزوم وظایف و رسالت‌های مزبور را برای نمایندگی به عنوان یک اصل موضوعی و مسلم پذیرفته و تنها به اشاره‌ای اجمالی به نتایج بحث و مبانی آن اکتفا کنیم:

بنابر نظریه وضع (چرا که هیچ اصل حاکم برتری جز قوانین طبیعی و فطری وجود ندارد) علتی برای ثبوت وظایف و رسالت‌های یاد شده برای شغل نمایندگی وجود ندارد؛ زیرا فرض بر این است که مردم نسبت به قوانین و قراردادهایی که بین خودشان برقرار است، یکسان هستند و هیچ کس بر دیگری ولایت ندارد. تنها چیزی که می‌تواند این قاعده و قانون را نقض کند مصلحت اجتماعی قطعی و یا راجحی است که راه تشخیص آن هم فرآیند مستقیم یا ترتیبات خاص قانونی است که در نهایت به آن برگردد.

اما بنابر نظریه شرع، ممکن است علت ثبوت وظایف و رسالت‌های مزبور برای نماینده یکی از امور زیر باشد:

۱. حکم شرعی خاصی که برای خصوص این موضوع وارد شده یا حکم شرعی عامی که عموماً شامل مورد بحث ما هم می‌شود و احکامی که در این مورد می‌توان از آنها نام برد عبارت‌اند از:

الف) استحباب کار شورایی. دلیل مستحب بودن این عمل، مدح خداوند در این آیه شریفه برای کسانی است که در امور اجتماعی به شیوه شورایی عمل می‌کنند: «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»^{۲۶}. اضافه کلمه مفرد «امر» به ضمیر جمع «هم» در این آیه، دلالت دارد بر این که مراد از امر، اموری است که مربوط به جماعت است در مقابل اموری که به خدا یا افراد مربوط است. به مقتضای این آیه، مدح یاد شده شامل هر امر اجتماعی از این قبیل شده، استحباب مذکور برای آن ثابت می‌شود.

یکی از مواردی که دلیل فوق شامل آن می‌شود، وظایفی است که قبلاً گفته شد؛ زیرا همه آنها مرتبط با جماعتند، اعم از مسأله دادن رأی اعتماد به وزرا یا نظارت بر کار ادارات و نهادها و یا پیگیری شکایات علیه قوه قضائیه و اجرائیه. بنابراین در این گونه موارد کارکردن به شیوه شورایی - چه به صورت مستقیم مانند مجالس ملی در برخی ایالت‌های سویس (حکومت مستقیم) و یا به صورت غیر مستقیم و از طریق مجالس شورای ملی (حکومت نمایندگی غیر مستقیم یا شبه مستقیم) - رجحان دارد.^{۲۷}

ب) ضرورت اجتماعی. گاهی ضرورت اجتماعی ایجاب می‌کند که این وظایف برای پست نمایندگی وجود داشته باشد.

ج) حفظ نظام. بی شک به حکم عقل و غیر آن واجب است. در دو مورد اخیر حاکم شرع به عنوان کسی که حایز بالاترین منصب الهی است، متولی تشخیص موضوع آنها است.

۲. حکم ولایی. حکم ولایی حکمی است که از طرف ولی^۱ منتخب از جانب خداوند سبحان یا ولی منتخب از جانب کسی که خداوند او را ولی بر امت قرار داده یا ولی

۲۶. شوری، آیه ۳۸.

۲۷. الدساتیر و المؤسسات السیاسیه، ص ۱۳۱ به بعد.

منتخب از جانب امت، صادر شده باشد؛ زیرا ولی امر مسلمین می تواند به موجب ولایتی که دارد و بر اساس تشخیص مصالح جامعه، این وظایف را برای نمایندگان مقرر گرداند.

۳. رفراندوم. چنانچه ملت در جریان یک همه پرسی عمومی به وظایف یاد شده رای دهد، از وظایف مهم نمایندگی محسوب می شوند و ما در برخی از نوشته هایمان راه های اثبات شرعیت رفراندوم را بیان کرده ایم. ۲۸

آنچه گفته شد، مقتضای قواعد بود؛ اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بیش از هفتاد مجتهد، عالم و متخصص علوم دینی، آن را تدوین کرده اند، شرعیت اصول یاد شده را به آیه شورا مستند کرده اند ۲۹ و ملت ایران هم در تاریخ دوازدهم و سیزدهم ماه محرم سال ۱۴۰۰ ق در جریان یک رفراندوم به آن رای موافق داد و طی رفراندومی دیگر در سال ۱۴۱۰ ق پس از برخی اصلاحات در آن، آن را تایید نمود. بنابراین شرعیت این اصول با دلیل خاص و رفراندوم به اثبات رسیده است.

۱۳۴

فصل بیت

سال ۸ / شماره ۳۰

مبحث دوم: ملازم بودن وظیفه نمایندگی با برخی تخلفات

آیا انجام وظایفی که بر عهده نمایندگان ملت گذاشته شده است و قیام آنها به وظایف نمایندگی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است، فی نفسه مقتضی ارتکاب برخی تخلفات شرعی و قانونی توسط آنان است؟ به عبارت دیگر آیا شغل نمایندگی فی نفسه و ذاتاً همراه و مبتنی است بر ارتکاب برخی تخلفات به طوری که نمایندگان بدون آنها قادر به انجام وظایف نمایندگی خود نیستند؟

بدیهی است که برای دست یافتن به پاسخ سؤال مزبور بایستی به عرف رجوع کنیم؛ زیرا در تشخیص موضوعات خارجی از عرف سؤال می شود. ظاهراً عرف به ملازمه قائل است. به این معنا که از نظر عرف، بسیاری اوقات اعطای رای اعتماد به وزرا و ارزیابی کار برخی نهادها و وزارتخانه ها و پیگیری شکایاتی که علیه برخی قوا شده، نیازمند نوعی

۲۸. المنهاج، شماره ۲۵.

۲۹. اصل هفتم قانون اساسی.

جرح و تعدیل و توصیف برخی افراد به ضعف و عدم کفایت و لیاقت و چه بسا سوء مدیریت یا فساد اداری یا مالی بلکه اخلاقی یا عقیدتی نیز باشد و اینها در موردی روی می دهد که قرار است به فردی رأی داده شود که بایستی عاری از صفات و ویژگی های یاد شده باشد خصوصاً اگر بحث در صفاتی باشد که دارای مفاهیمی کلی هستند و شدت و ضعف این صفات نزد افراد مختلف، متفاوت است؛ مانند صفت حسن خلق که ممکن است نزد یک فردی به معنای اشمال بر تمامی صفات کمالی باشد در حالی که نزد فرد دیگر بیش از عدم صدور فعلی که در عرف، مستهجن است معنا ندهد یا مثل امانت داری، که نزد فردی به این معنا است که چراغ را زیاده تر از نور روز، روشن نکنند، در حالی که نزد فرد دیگر جز سرقت و اختلاس معنای دیگری ندارد و امثال این موارد که تعریف مشخصی ندارند بلکه در تحقق و عدم تحقق آن تابع معیارهای شخصی تعیین مصداق عرفی است.

برخی مصلحت های عمومی مانند پخته شدن تصمیم شورایی و روشن شدن آثاری که مترتب بر آن تصمیم است و کشف ابعاد و زمینه هایی که در پشت آن تصمیم نهفته است، وجود دارد که ایجاب می کنند نمایندگان مجلس نظریات خود را همراه با آمار و ارقام و مدارکی که به لحاظ زمان و مکان و موضوع، دقیق هستند، اعلام کنند. از این رو در لوایح نظام نامه های داخلی مجالس قانون گذاری کشورهای جهان آمده است که نمایندگان مجلس حق دارند از پشت تریبون مجلس، درباره قطعنامه های مطرح و پیش نویس های آنها، نظریات خویش را، به گونه ای که مخالفان و موافقان در نقد و دفاع از آنها به طور مساوی فرصت داشته باشند، بیان کنند.^{۳۰}

مصلحت های دیگری نیز همچون آگاه کردن مردم به آنچه پیرامون آنها می گذرد، بالا بردن سطح آگاهی های سیاسی و اطلاعاتشان از روند قانون گذاری و زمینه های آن، میزان قوانینی که تصویب شده است و مراحل اجرای آنها، وجود دارد که در رشد و تکامل جامعه و محکم شدن بنیان های آن و استحکام روابطش با سبیل ها و عناصر اصلی نظام تاثیر دارد

۳۰. ر. ک: مجموعه قوانین اولین دوره مجلس شورای اسلامی، ج ۱، ص ۲۲۳، آیین نامه داخلی

مجلس، مصوب ۱۳۶۱/۳/۲۳.

و تمامی این مصلحت‌ها ایجاب می‌کند که مناقشات در مجلس، از طریق وسایل ارتباط جمعی همچون روزنامه، رادیو و تلویزیون پخش شود. از این رو در اصل ۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده که در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند به تقاضای رئیس‌جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود؛ زیرا تمامی این موارد به نظر عرف، اشاعه منکر، فاش نمودن عیب دیگران، آشکار نمودن بدی، تحقیر و غیبت محسوب می‌شوند. اگرچه ممکن است نماینده مجلس آن کارها را با چنین انگیزه‌هایی انجام ندهد، بلکه انگیزه‌اش این باشد که قطعنامه‌ای که به شور گذاشته شده، صحیح و مطابق با مصلحت امت و ملت، تصویب شود.

دلیل این که عرف تلازم یاد شده را تأیید می‌کند این است که در تمامی کشورهای جهان حتی کشورهایی مثل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و چین که به استبداد مشهورند به نمایندگان مجلس قانون‌گذارشان حق مصونیت اعطا کرده‌اند؛ زیرا چنان که قبلاً اشاره کردیم هدف آنان از اعطای حق مصونیت چیزی جز دادن آزادی کافی به آنها برای ایفای نقششان در ارزیابی نظام و نقد آن، نیست.

شاهد این که سمت نمایندگی با برخی تخلفات ملازمه دارد این است که فقها مواردی را مانند تظلم و شنیدن آن، نصیحت مشورت‌کننده، جرح و تعدیل، استفتا از فقیه در مورد حکم یک مسأله و خواستن از او برای قضاوت کردن، رد ادعای کسی که مدعی نسبتی است، بی‌اعتبار ساختن گفتار و سخن باطل و...، از حرمت غیبت استثنا کرده‌اند که تمامی آنها مصادیق روشن‌تری در شغل نمایندگی دارند و در این شغل بیش از هر مورد دیگری روی می‌دهند.

اگر مشورت در امور جزئی مانند ازدواج با زنی یا مشارکت در تجارت یا هر کار دیگری، مقتضی یک سلسله تخلفات است پس کار کسی که شغلش مشاوره و اظهار نظر است به طریق اولی با برخی تخلفات ملازم است. اگر عمل استفتا از مجتهد و افتاء، مقتضی صدور این تخلفات است به طوری که فقها را وادار کرده تا آنها را جزء مستثنیات

غیبت به شمار آورند، کار کسی که شغلش استفسار و قانون گذاری است به طریق اولی با این تخلفات ملازمه خواهد داشت.

مبحث سوم: حکم سمت نمایندگی

واضح است که نمایندگی نه طبق مسلک وضع، شغلی واجب است و نه طبق مسلک شرع، مگر در صورتی که ضرورت اجتماعی یا حفظ نظام و غیر اینها ایجاب کند، که در این صورت بر تمامی کسانی که قدرت و توانایی دارند واجب کفایی است. اما نسبت به سایر احکام، ممکن است گفته شود که نمایندگی شغلی مستحب است؛ چنان که از آیه شورا- با تقریری که قبلاً از آن داشتیم- چنین استفاده می شود. ممکن است نمایندگی را شغلی مباح بدانیم و این در صورتی است که دلیل شرعی اجتهادی نداشته باشیم و مستند ما اصلی باشد که مقتضی اباحه همه اشیا است.

۱۳۷

فصل اول بیت

مصونیت پارلمانی از نگاه فقه

مبحث چهارم: تجویز تخلف

از این موضوع در چند جهت بحث می کنیم:

جهت اول: جواز تخلف

در این موضوع، هم بنابر مبنای وضع، بحث می کنیم و هم بنابر مبنای شرع. بنابر مسلک وضع کسی که کار نمایندگی را تشریح کرده یعنی ملت یا کسی که ملت او را منصوب کرده و امکان دستیابی به او و استفسار از او وجود دارد، اگر تشخیص دهد که فعل نمایندگی بر ترك آن و جایگزین کردن نظام های بدیل ترجیح دارد، آن را مقدم داشته تثبیت می کند حتی اگر مستلزم وقوع برخی تخلفات باشد. اما اگر چنین نباشد، مانع کار نمایندگی می شود و نظام های بدیل دیگری را جایگزین آن می کند.

همان طور که در تشخیص اصل جواز تخلف، مرجع قانون گذار است، در میزان تخلف هم قانون گذار مرجع است. قانون گذار گاه چنین مصلحت می بیند که مطلق تخلف را برای نمایندگان تجویز کند چنان که گاه، تخلفات بنیاد را با ذکر اوصاف و عناوین آنها،

تجویز می‌کند و یا تخلف را منوط به این می‌کند که عنوانی کلی بر آن صدق کند چنان که شغل نمایندگی ایجاب می‌کند. در این صورت قانون‌گذار بایستی مرجعی را برای تشخیص تخلفات معین کند. اما این که کار نمایندگی را تجویز کند ولی ارتکاب تخلفاتی را که مقتضای کار نمایندگی است، تجویز نکند، تکلیف غیر مقدور است و آن از نظر عقل محال و از نظر عرف، لغو می‌باشد.

بنابر مبنای شرع، با اختلاف مستندات کار نمایندگی، حکم تجویز تخلف هم فرق می‌کند:

۱. اگر مستند کار نمایندگی، حکم شرعی باشد، در این صورت تشریح کار نمایندگی، مقتضای جواز ارتکاب تخلفات یاد شده است؛ اگرچه این تشریح به صورت جواز باشد نه به صورت استحباب یا وجوب البته به شرط این که اولاً، قبول کنیم بین کار نمایندگی و ارتکاب این تخلفات ملازمه است و ثانیاً، ارتکاب تخلف به میزانی تجویز می‌شود که عمل نمایندگی ایجاب می‌کند نه بیشتر.

۲. اما اگر مستند آن، حکم ولایتی از جانب ولی فقیه باشد، چنانچه ولی فقیه به وجود ملازمه بین کار نمایندگی و ارتکاب یک سلسله تخلفات التفات داشته باشد تجویز کار نمایندگی از طرف ولی فقیه، تجویز این تخلفات هم هست. اما اگر در حین صدور حکم، متوجه این ملازمه نباشد، بایستی به او مراجعه کرد که ممکن است، تشخیص دهد مفاسد مترتب بر تجویز تخلفات یاد شده بیشتر از مصالح کار نمایندگی است که در این صورت، مانع کار نمایندگی می‌شود. اما ممکن است عکس این مطلب را تشخیص دهد. در این صورت کار نمایندگی را ترجیح می‌دهد اگرچه مستلزم برخی تخلفات شود. در صورت دوم ولی فقیه مصلحت می‌بیند که جواز را به یک عنوان کلی همچون اقتضای شغل نمایندگی، منوط کند و مرجعی را که در موارد اختلاف، مصادیق آن عنوان کلی را از غیر تشخیص دهد، تعیین کند چنان که ممکن است به نماینده حق ارتکاب تخلف را به طور مطلق اعطا کند یا این که در امور خاصی محدود کند.

۳. اگر مستند شرعیت کار نمایندگی رأی‌گیری عمومی باشد، بایستی حدود آن دلیلی

که راه حل رفع مشکلات را رجوع به ملت می داند، لحاظ کرد و سنجید که آیا دلیل مذکور متضمن رجوع به ملت است حتی در صورتی که مستلزم ملازمه یادشده باشد یا نه؟ در این جا چند احتمال وجود دارد:

الف) در اصل پذیرش سمت نمایندگی به ملت مراجعه شود نه در قبول لوازم آن، و در مورد تعیین حدود لوازمی که کار نمایندگی دارد و یا پذیرش یا رد آن بایستی به شارع یا ولی فقیه مراجعه کرد. چنانچه آن لوازم در نظر شارع ممنوع باشد، میان رأی ملت به عمل نمایندگی و منع شارع یا ولی از لوازم آن، تعارض روی می دهد که برای رفع تعارض بایستی رأی شارع یا ولی را به ممنوعیت تخلفات یادشده، ناسخ رأی ملت قرار داد و موضوع مشروعیت سمت نمایندگی را به رفراندوم واگذار نمود.

ب) در اصل پذیرش کار نمایندگی به همراه لوازمش به رأی ملت مراجعه شود.

ج) در اصل پذیرش کار نمایندگی و لوازمش به رأی ملت مراجعه شود اما به شرط این که شارع یا ولی فقیه رأی ملت را تایید کند.

۱۳۹

مجلس شورای اسلامی

مصوبت پارلمانی از نگاه فقه

بنابر تمامی این احتمالات، میزان تجویز، به قانون گذار مرتبط است و قانون گذار همه یا تخلفات معینی را مجاز می شمرد و گاه آن را منوط به این کرده که آیا مصداق عنوانی کلی هست یا نه. آنچه گفته شد بر حسب مقتضای قواعد بود، اما از آنجا که در جمهوری اسلامی ایران مستند و مدرک جواز کار نمایندگی علاوه بر رفراندوم، آیه شورا است، روشن است که به مقتضای این آیه شریفه، ارتکاب تخلفات برای نمایندگان مجلس به میزانی که کار نمایندگی و انجام وظایف آن ایجاب می کند، جایز است؛ زیرا تجویز عملی که ذاتاً مبتنی بر برخی افعال است، تجویز آن افعال هم می باشد.

بنابراین ارتکاب این افعال به انگیزه انجام وظایف نمایندگی اساساً متخلف شرعی محسوب نمی شود و در نتیجه نه مشمول اصل چهارم قانون اساسی می شود که تصریح دارد بایستی تمامی قوانین کشور موافق موازین شرعی باشد، و نه مشمول اصول دیگری که تصریح دارند تمام افراد ملت در مقابل قانون مساوی هستند؛ زیرا بنابر آنچه گفته شد، این استثنا نیز قانونی و شرعی است و پاسخ شورای نگهبان به نامه حضرت آیت الله

هاشمی شاهرودی - رئیس قوه قضائیه - که متضمن استفسار از اصل هشتاد و ششم قانون اساسی است، در این راستا قرار دارد؛ زیرا در این اصل تصریح شده که آزادی و مصونیتی که به نمایندگان اعطا شده به میزانی است که ایفای نقش نمایندگی ایجاب می‌کند نه بیشتر. ۳۱

جهت دوم: پیگرد قضایی

تجویز تخلف برای نمایندگان مجلس مستلزم این است که آنان در مواردی که مجازند، تحت پیگرد قضایی قرار نگیرند؛ زیرا پیگرد قضایی برای عملی که شرعاً و قانوناً جایز است، ظلم محسوب می‌شود و ظلم هم شرعاً حرام و قانوناً ممنوع است و معنای مصونیت همین است.



جهت سوم: حکم خسارات

ممکن است اعطای حق مصونیت پارلمانی به نمایندگان موجب ایجاد برخی خسارات مادی یا معنوی به بعضی افراد یا اطراف شود. آیا در صورت امکان، جبران خسارت وارد به این افراد یا کسب رضایت از آنان، واجب است، یا این که آنچه بر آنها وارد شده به هدر رفته و لازم نیست جبران شود؟ و در صورتی که جبران آن خسارات واجب باشد، آیا این جبران بر عهده نظام و از اموال عمومی است و یا بر عهده فرد نماینده است؟

پاسخ: در صورتی که فرد یا نهادی که حق مصونیت پارلمانی را وضع کرده موجود است و می‌توان به او مراجعه کرد، باید از او استفسار نمود؛ زیرا در مورد اصل خسارات و میزان آن نیز می‌توان به فرد یا نهاد مزبور مراجعه کرد. اگرچه مقتضای قاعده «مال هیچ فردی بی ارزش نیست» این است که چون حکومت به منظور رعایت جامعه و نظام اسلامی، تخلف نماینده را تجویز کرده و شغل نمایندگی را که مستلزم وقوع تخلف است پذیرفته،

۱۳۰

فصل‌نامه

سال ۸ / شماره ۳۰

بایستی خساراتی را که به واسطه عمل نمایندگان به افراد وارد می شود، جبران کند. چنان که مقتضای قاعده «صاحب غنیمت صاحب غرامت هم هست» این است که خسارات وارد، باید از مال دولت پرداخت شود نه از مال نماینده. بله، اگر تجویز ارتکاب برخی تخلفات برای نماینده و اعطای حق مصونیت به او یک نوع قانون گذاری در جهت مصالح نماینده، نه عنوان نمایندگی باشد، در این صورت ضامن ضرر و زیان ناشی از استفاده از حق مزبور، نماینده است نه دولت. اما از آن جا که دستمان از قانون گذاری همچون قانون گذار آسمانی (خداوند) کوتاه است، ممکن است بگوییم که نماینده، ضامن ضرر و زیان است؛ خواه دلیلی که چنین اعمالی را تجویز کرده است عام باشد یا خاص و ممکن است قائل شویم اگر دلیلی که ارتکاب برخی تخلفات از قانون و شرع و حق مصونیت پارلمانی را تجویز کرده خاص باشد، خسارات، به هدر رفته و قابل جبران نیست، اما اگر دلیل مزبور عام باشد مثل ضرورت اجتماعی و حفظ نظام، در این صورت بایستی خسارات یاد شده از بیت المال جبران شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

جهت چهارم: ضمانت موارد اشتباه

بدون شک تجویز ارتکاب برخی تخلفات برای نمایندگان در صورتی است که آن تخلف از لوازم کار نمایندگی باشد؛ چنان که تحریم آن تخلفات بر دیگران در صورتی است که فرد قصد ارتکاب تخلف را داشته باشد.

بنابراین چنانچه نماینده ای به انگیزه ایفای نقش نمایندگی تخلفی را مرتکب شود آن گاه معلوم شود اشتباه می کرده و در خطا بوده است، در این صورت آیا ضامن خسارات مترتب بر این عملش بر عهده اوست یا بر عهده نظام؟

ممکن است گفته شود: ضمانت این تخلف بر عهده اوست؛ به لحاظ این که آنچه انسان از روی سهو و اشتباه تلف کند، ضامن است. از طرف دیگر فرض این است که نفعی که از تجویز تخلف به دست می آید عاید نظام نمی شود تا جبران ضررش هم بر عهده او باشد.

همچنین ممکن است گفته شود: ضمانت این تخلف بر عهده بیت المال است؛ زیرا موارد اشتباه در تطبیق، از جمله مواردی است که در تشریح جواز تخلف، لحاظ شده و پس از کسر و انکسار، دارای مصالحی بوده که به موجب آن تشریح شده است. بنابراین خسارات وارد به دیگران به واسطه تشریح این عمل بر عهده حکومت است، هر چند از روی سهو و اشتباه روی داده باشد.

ممکن است گفته شود: چنانچه کسی که در نظام کار می کند، به نحو اجاره برای آن کار کند، در صورت ارتکاب تخلف و ایجاد خسارت، ضمانت بر عهده عامل است؛ زیرا خطای اجیر بر عهده خودش است. اما اگر به نحو ارتزاق برای نظام کار کند در این صورت، نظام ضامن خسارات است؛ زیرا در این صورت عامل، نماینده نظام است نه در طرف مقابل.

مبحث پنجم: جهت های تشخیص دهنده

قبلاً یاد آور شدیم که مصونیت پارلمانی ممکن است به چند صورت برای نماینده ثابت

شود:

صورت اول: مصونیت به طور مطلق برای او ثابت شود. در این صورت نماینده در مورد هیچ یک از افعالش مورد سؤال واقع نمی شود. در این صورت برای تشخیص این که آیا عنوان مصونیت بر مواردش منطبق هست یا نه، نیازمند مرجع خاصی نیستیم.

صورت دوم: مصونیت برای نماینده به طور مقید و با عناوین خاص، ثابت شود. در این صورت با احراز این که فعل صادر از نماینده منطبق باشد با برخی عناوینی که نماینده با آن عناوین دارای مصونیت پارلمانی شده است، نیازی به مراجعه به جهت معینی نیست. اما در صورت شک در انطباق عنوان یاد شده و عدم انطباق آن طبق قاعده بایستی به جهتی که مسؤول تخلفات است، یعنی محاکم قضایی، مراجعه کرد تا در آن جا واقعیت روشن شود.

صورت سوم: مصونیت پارلمانی با تعلیق بر یک عنوان عام برای نماینده ثابت شود.

۱۳۲

فقه الیه

سال ۸ / شماره ۳۰

مثل این که در قانون گفته شود که کار نمایندگی مقتضی چنین اعمالی است. در جمهوری اسلامی ایران مصونیت پارلمانی به این شکل برای نمایندگان ثابت شده است. در این صورت احراز انطباق این عنوان بر مصداقی که حاصل شده، با قوه قضائیه است؛ زیرا احراز این موارد با قوه قضائیه است.

از مجموع بحث در موارد پنج گانه گذشته این نتیجه گرفته می شود که مصونیت پارلمانی به میزانی که کار نمایندگان اقتضا می کند، برای آنها ثابت است. بنابراین جبران خساراتی که به واسطه مصونیت بر دیگران وارد می شود، واجب است.

انصراف از حق مصونیت

دکتر کیالی در دایرة المعارف تصریح می کند که مصونیت پارلمانی حقی عمومی است و لذا نماینده حق ندارد از این حق انصراف دهد.^{۳۲} این دیدگاه صحیح نیست؛ زیرا حق مصونیت پارلمانی اگرچه به واسطه عرف یا شرع وضع شده باشد، اما بدون شک به خاطر نماینده و به منظور حفظ مصالح نظام وضع شده است و معقول نیست که او را ملزم به مصالحش بکنیم. معنای این سخن این است که مصونیت پارلمانی به گونه ای برای نماینده وضع شده که اراده نماینده در اعمال این حق یا اسقاط آن دخالت دارد.

سلب مصونیت پارلمانی

به چند سبب مصونیت پارلمانی از نماینده برداشته می شود:

- ۱- پایان یافتن وظایف و یا لغو پست نمایندگی او، اگرچه این امر به واسطه انحلال مجلس قانون گذاری یا استعفای او یا پایان یافتن دوره نمایندگی اش و غیر آن صورت پذیرد.
- ۲- قوه قضائیه پس از کسب اجازه از رئیس مجلس قانون گذاری، مصونیت پارلمانی را از نماینده بردارد.

۳۲. الموسوعة السياسية، ج ۲، ص ۵۴۸.